

مردم برای حمایت از اقدام امام در تعیین دولت موقت به خیابان‌ها آمدند



خود را هرچه زودتر اعلام کنند... ما به همه دولت‌های جهان اعلام می‌کنیم که از این تاریخ تنها قراردادها و موافقت‌نامه‌هایی در نظر ملت ایران اعتبار قانونی دارد که به تصویب دولت موقت که موردتایید است، رسیده باشد.» امام خمینی به مناسبت انجام این راهپیمایی بزرگ ضمن تشکر از مردم، از عموم ملت ایران خواستند که همچنان ایستادگی نمایند و با وحدت کلمه تا رسیدن به پیروزی نهایی تلاش کنند. امام در بخشی از بیانات خویش فرمودند: «من اعلام می‌کنم که موافقت کردن با این دولتی که ما فراهم آوردیم، تکلیف شرعی و مخالفت کردن با آن حرام است. خدمت به دولت بختیار خدمت به طاغوت و شرک و کفر است.» از ویژگی‌های راهپیمایی امروز این است که گروه کثیری از نظامیان به‌ویژه پرسنل نیروی هوایی و همافران این نیرو همراه مردم با صفوف منظم در تظاهرات شرکت کرده‌اند. حضور نظامیان به‌قدری برای مردم خوشحال‌کننده است که گرداگرد صفوف آنها حلقه زده و آنها را در آغوش می‌گیرند.

دکتر بختیار گفت که بسیاری که همین ۱۸ ماه پیش خواهان رعایت اصول قانون اساسی بودند اکنون که این مساله توسط من به مرحله اجرا درآمده، باز فریاد بلند می‌کنند ومردم را به خیابان می‌کشاند.

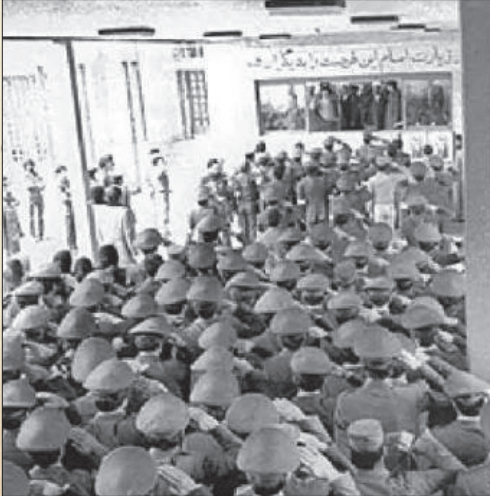
دکتر بختیار گفت که رای ملت در هرچه باشد اگر در انتخاباتی آزاد و واقعی عنوان شود، مورد تایید است و تسلیم آن خواهد شد و حتی این امکان وجود دارد که دولت او پیش از موعد مقرر انتخابات را برگزار کند، به شرطی که شرایط آرام باشد اما اکنون با این هیاهویی که در خیابان‌ها وجود دارد انجام انتخابات پیش از موعد، به نتیجه فاجعه‌آمیزی منتهی خواهد شد.

بختیار گفت اگر انتخاباتی آزاد به لغو حکومت سلطنتی منتهی شد او گردن خواهد نهاد اما در جواب سوال خبرنگاری که نظر شخصی او را درباره رژیم سلطنتی پرسید، گفت این نظر را برای خودم نگه می‌دارم. بختیار از زهبران مردم کوچه و بازار انتقاد کرد که به جای آنکه از آزادی‌های موجود استفاده کرده و به فکر تشکیل احزاب سیاسی باشند، سروسدا و دعوا را ترجیح می‌دهند.

بختیار گفت که دموکراسی بدون حزب‌های سیاسی مطلق وجود نخواهد داشت و وقتی حزب‌ها در کار نباشند یا حزب واحدی وجود داشته باشد دیکتاتوری در کشور مستقر خواهد شد. بختیار گفت کشور به مدت ۲۵ سال دستخوش دیکتاتوری بوده و اکنون این مساله باید به پایان برسد.

فوق العاده به‌ظاهر در مقابل عراق هیچ کس حاضر به مسلح کردن هوپیمایا نشد و به آمریکایی‌ها هم اجازه مسلح کردن هوپیمایا را ندادند. سخنرانی فرمانده ضداطلاعات در قصر فیروزه به آشوب کشیده شد، اطلاعیه‌های حضرت امام(س) حتی در داخل اتاق فرمانده نیروی هوایی وزیر شیشه می‌زش قرار داده‌شد، با لباس نظامی و به‌طور رسمی در کمیته استقبال از حضرت امام(س) حضور داشتیم. در بازگشت از منزل مرحوم آیت‌الله طالقانی رسماً رودرویی نیروهای گارد قرار گرفتیم و آنها را مجبور به عقب‌نشینی نمودیم، ولی هنوز تا آن کار بزرگ فاصله داشتیم. ناگهان نوری در دل بچه‌ها پدیدار شد، آن کار بزرگ طراحی شد.

قرار شد بچه‌ها در روز ۱۹ بهمن کفن بوشان در کمیته استقبال حاضر شوند، دل‌ها در سینه‌ها می‌تپید. موضوع کاملاً محرمانه مانده بود، بچه‌ها یکی‌یکی پیدا شدند. بعضاً با لباس نظامی و گروهی هم که از



جمهوری اسلامی-۱۳۷۴ - مهندس بهزاد نبوی عضو مرکزیت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مواضع این سازمان را در قبال نهضت آزادی تشریح کرد. او که در یک جلسه پرسش و پاسخ در دفتر این سازمان با خبرنگاران سخن می‌گفت، درمورد نهضت آزادی و مهندس بازرگان اظهار داشت: «نهضتی‌ها موقعی که قدرت را در دست داشتند از همه انحصارگتر بودند و در تمام دوران حکومت‌شان یک نفر حزب‌اللهی را در مجموعه خود راه ندادند و فقط تیپ‌های جبهه ملی و منافقین را راه می‌دادند. عده‌ای از آنها در شوروی انقلاب دنبال این بودند که مسعود رجوی را شهردار تهران بکنند و وقتی ما راجع به اینها

بهزاد نبوی:

نهضت آزادی زمانی که قدرت را در دست داشت از همه انحصارگتر بود

نهضتی‌های خواستند مسعود رجوی را

شهردار تهران کنند

صفحه حافظه روزنامه «فرهیختگان» که معمولاً شنبه هر هفته با خبرها و روایت‌هایی از روزنامه‌ها و رسانه‌های سال‌های گذشته منتشر می‌شد، در ایام دهه فجر انقلاب اسلامی به صورت روزانه منتشر خواهد شد. در این صفحه تلاش خواهیم کرد ضمن مرور وقایع انقلاب، اظها نظر‌ها و مواضع مهم چهره‌ها و شخصیت‌های سال‌های ابتدایی انقلاب را نیز مورد بازخوانی قرار دهیم.



سیدعطاءالله مهاجرانی

انقلاب اسلامی ایران و تحقق تمدن جدید



روزنامه اطلاعات-۱۳۷۳ - به‌گمانم سه نکته مهم و محوری در تحول باور و فرهنگ اسلامی به مبانی اصلی یک تمدن بزرگ موثر بوده است. به درجه‌ای که این سه محور توان و رونق ببایند، شاهد توسعه تمدن اسلامی بوده‌ایم و به تناسبی که این محورها به ضعف گراییده‌اند تمدن اسلامی ضعیف شده، آسیب دیده و سرانجام در مقطعی به تاریخ تمدن پیوسته است.

۱- توجه به دانش، ترویج دانش و حفظ اعتبار و حرمت دانشمندان و متفکران

۲- آزادی

۳- چهره پررحمت و عطفو دین

تشویق علم و عالمان که در قرآن و روایات متعدد تبیین شده است. تنها مراد دانش دینی و الهی نبوده است والا پیامبر اسلام(ص) نمی‌گفت در جست‌وجوی دانش تا چین برود. چین در دنیای آن روز یک نقطه بسیار دوردست و دست‌نیافتنی تلقی می‌شد، پیداست مراد الهیات و دانش دینی نبوده است. از طرف دیگر تاکید مدام بر این نکته که مومن و مسلمان در جست‌جوی حکمت است و حکمت را از هر کسی و در هر شرایطی باید آموخت. تملق را که صفتی بسی نکوهیده است، عالمان دین و اخلاق در راه آموختن ناپسند نشمرده‌اند. توجه و کوشش پیامبر اسلام(ص) که یاران نزدیکش زبان‌های مختلف مثل عبری و سریانی و... را بیاموزند. تبادل اسرای جنگی با کتاب‌های پزشکی، آزاد کردن اسیران جنگی به شرط سوادآموزی به مسلمانان و... کلیدهای شناخت یک فرهنگ تحول‌آفرین و خلاق است که سرانجام فارابی و ابن‌سینا و ابوریحان و فردوسی و رازی محصول آن تمدن هستند.

محور دوم آزادی است که خود شرط پیشرفت علمی و توسعه دانش است، اسلام هیچ‌گاه از طرح اندیشه‌های دیگر یا به اصطلاح امروز دگراندیشان، دغدغه‌ای به خود راه نداد. باروری فلسفه و کلام در حوزه تمدن اسلامی بدون ارتباط با تضارب آرای متفکران و متکلمان اسلامی با فلسفه و کلام یونانی و مسیحی و یهودی نبوده و نیست. در حوزه تفکر شیعی در کتاب التوحید اصول کافی و نیز در احتجاج طبرسی اندیشه‌های غیرمسلمانان، ذهری‌ها- مادیون و پیروان دیگر ادیان به‌خوبی حفظ شده است.

متفکر شهید، مرحوم مطهری براساس چنین باوری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی مطرح کرده است، ضرورت دارد در دانشکده الهیات ما مارکسیسم به‌عنوان یک مکتب و یک کرسی تدریس شود و استادی که درس می‌دهد هم حتما مارکسیست باشد تا از عمق جان و بن‌دندان از مکتب و مرام خود دفاع کند و در برابر متفکران اسلامی نیز نظر و اندیشه خود را مطرح ننماید.

فروپاشی شوروی دلیل زنده و معاصر۱ است که نشان می‌دهد سیاست پرده آهنین و کشیدن دیوار در برابر اندیشه‌ها کارساز و پایدار نیست. هر متفکری و هر نویسنده‌ای و هر هنرمندی به‌مثابه دنیایی است با محتضات خود. همان‌گونه که انسان‌ها هیچ کدام در شکل، رنگ، آهنگ صدا، تعداد سلول‌ها و در یک کلام در صورت انسانی مثل یکدیگر نیستند. تردیدی نیست که گونه‌گونی در دنیای دل و اندیشه آنان بسی بیشتر است. حافظ سروده است:

بر آستانه میخانه گر سری بینی

مزن بپای که معلوم نیست نیت او

تردیدی نیست که مراد این نیست که آزادی به‌گونه‌ای تحقق یابد که مبانی اندیشه دین هتک شود. مقصود این است که در یک فضای روشن و آزاد، اندیشه دینی بهتر می‌تواند قابلیت‌های خود را نشان دهد. نکته سوم سیمایی است که از دین و فرهنگ دینی عرضه می‌کنیم، به تناسبی که این سیما خشن جلوه کند از تحقق یک تمدن فاصله می‌گیریم و به نسبیتی که سیمای دین عطف و پررحمت باشد زمینه تحقق تمدن فراهم نشود. خداوند متعال به صراحت به پیامبر اسلام یادآور شده است که اگر خلق و خوی پیامبر(ص) و شیوه سلوک او با مسلمانان نرم و پرهمر نبود آنان از اطراف پیامبر (ص) پراکنده می‌شدند.

واقعیت این است که حادثه‌ای مثل حمله به نجیب محفوظ که پیرمردی هشتادساله است و در مجموعه آثارش همواره اسلام و قرآن روشن و شفاف و جذاب مطرح شده، و در نقلی اخذ جایزه نوبل (که خودش برای گرفتن جایزه به سوئد نرفت) یکی از موثرترین دفاع‌ها از آیین اسلام انجام شده است، اگر تردید کنیم که حادثه حمله به او توسط عوامل امنیتی مصر با اسرائیل صورت نگرفته باید بپذیریم جوانانی که دست به آن کار زدند دوستداران غالی اسلام هستند، و یادآور این حکمت درخشنده حضرت امیر که: هلك في رجلا ن محب غال و مبغض غال.

دو نفر در راه من هلاک شدند. دوستی که در دوستی خود راه مبالغه و افراط ببیماید و نیز دشمنی که دشمنی خود را عرضه کند.

تا مدت‌ها تصویر نجیب محفوظ بر پرده تلویزیون‌ها بود بلکه بتوانند داستان رشدی را مشتبه کنند که اساسا اسلام با نویسنده و رمان و فرهنگ مخالف است.

سه نکته‌ای که ذکر شد مثل اضلاع مثلث متکی بر یکدیگرند. آزادی رأفت و مراقت دینی و تشویق متفکران و دانشمندان این نکات به تحقق یک تمدن کمک می‌کند، به‌ویژه در جهانی که این امور دچار قحط نام در زبان و اندیشه مدعیان شده است، سرشت جست‌وجوگر مسلمانان امروز، این مفاهیم را در اسلام می‌جوید. جست‌وجویی که متکی بر اندیشه‌ای درست و تجربه‌ای تحقق‌یافته است. ازاین‌رو آثانی که در جهت نومی‌دی مردم و یا ناکام نشان دادن فرهنگ و اندیشه دین می‌کوشند و نیز آثانی که بهانه به دست دشمنان گوش به‌زنگ می‌دهند، می‌توانند مثل غبار عمل کنند یا مثل خاشاک چهره رود را بپوشانند. فاصله این فرهنگ تا تحقق آن تمدن به درجه و قوت امید یک ملت یا ملت‌های مسلمان است. پیامبر اسلام در روایتی که در بسپاری از منابع تاریخی و رجالی و تفسیری شیعه و سنی آمده است از مردم ایران با شوق و تحسین یاد کرده است. این جمله درخشنده را مثل مدالی به ملت ایران داده است که اگر دانش یا دین یا ایمان در ثریا هم باشد، مردم ایران یا مردانی از ایران بدان دست می‌یابند. آن دانش ثریایی تحقق یک تمدن جدید است. تمدنی متکی بر باور و ایمان جوشنده یک ملت.